

نقد ترجمه‌البدائع والطرائف با رویکردی بر شاخصه‌های تعادل در ترجمه لفظ به لفظ

مهین حاجی‌زاده*

سیامک اصغرپور**

چکیده

ترجمه لفظ به لفظ آثار ادبی به‌ویژه آثار آن دسته از ادیبانی که افکار فلسفی و دینی را در نوشته‌های خود بیان می‌کنند، همواره دشواری‌ها و چالش‌هایی را پیش رو داشته است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مواردی اشاره کرد که در سطح جمله‌ها و ساختار آن‌ها و هم‌چنین در سطح معادل‌یابی در فرایند ترجمه لفظ به لفظ این متون روی می‌دهد. کتاب *البدائع والطرائف* نوشته ادیب فیلسوف جبران خلیل جبران است که در آن به ابعاد مختلفی از زندگی، ایده‌ها، و رویدادهای اجتماعی توجه دارد و با آرای فلسفی خود به بیان نگرش‌ها پرداخته است. جستار حاضر کوشیده است با روش توصیفی - تحلیلی ترجمه این کتاب از سیمین پناهی فرد را با عنوان *اندیشه‌های نو و شگفت در سطح تعادل و ازگانی* و جمله‌ای از منظر شکل و محتوا بررسی کند و راه‌کارهایی را به منظور بهبود سطح کیفی ترجمه آثار ادبی به‌طور کلی و ترجمه این اثر به‌طور خاص ارائه دهد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد مترجم در بیش‌تر موارد درصدد ارائه ترجمه لفظ به لفظ و وفادار به ساختار متن مبدأ بوده است و این امر باعث شده ساختار بسیاری از جملات عربی به زبان فارسی

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Hajizadeh_tma@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

s.asgharpour@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

منتقل شود که در نتیجه ناهم‌گونی ساختار این جملات و ترکیب‌های نامناسب آن باعث ایجاد ابهام در متن شده است. ترجمه مذکور گاهی در سطح واژگان و اصطلاحات تخصصی نیز از لحاظ معادل‌یابی با چالش‌هایی مواجه بوده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ترجمه، ترجمه لفظ‌به‌لفظ، اصل تعادل، متون ادبی، جبران خلیل جبران، اندیشه‌های نو و شگفت.

۱. مقدمه

از آن‌جا که متون ادبی با احساسات و تخیلات نویسنده آمیخته می‌شود، متضمن معانی ضمنی است که در لابه‌لای آرایه‌های ادبی — بلاغی به آن اشاره تلویحی می‌شود. بنابراین، ترجمه چنین متونی حساسیت و دقت ویژه‌ای را می‌طلبد که مترجم باید با گزینش واژه‌های ادبی و قراردادن این واژه‌ها در کنار هم جملاتی را در مقابل جمله‌های متن مبدأ بنویسد که بار عاطفی متن مبدأ و پیام‌های مدنظر نویسنده در آن نیز احساس شود. «در ترجمه متون ادبی، دو روش کلی که مترجمان به‌کار می‌برند، روش لفظ‌گرا (متماثل به حفظ لفظ نویسنده) و معنی‌گرا (متماثل به حفظ معنای موردنظر نویسنده) است» (خزاعی فرید ۱۳۹۴: ۸). اما پای‌بندی بیش‌ازحد به روش لفظ‌گرایی و معنی‌گرایی نیز نباید به رسایی و گویایی متن ترجمه و هم‌چنین به موضوع وفاداری به سبک و بیان آن آسیبی برساند. در روش ترجمه لفظ‌گرایی یا همان لفظ‌به‌لفظ، که در ترجمه کتاب جبران خلیل جبران به‌وضوح مشاهده می‌شود، «عین کلمه از زبان بیگانه وارد زبان مقصد نمی‌شود، بلکه صورت ترکیبی به اجزای سازنده‌اش تجزیه شده و به‌جای هر کدام معادلی که از پیش در زبان وام‌گیرنده [مقصد] موجود است، ذکر می‌شود» (حقانی ۱۳۸۶: ۱۵۰).

کتاب *البدائع والطرائف*، یکی از آثار برجسته جبران خلیل جبران، حاوی ۳۶ مقاله درباره طبیعت، اجتماع، تاریخ، ادیبان، و فلاسفه است. در پژوهش حاضر ۹ مقاله از مجموع کل مقالات به‌منظور ماده پژوهش انتخاب شده است. عناوین این ۹ مقاله عبارت است از: ۱. المراحل السبع (مراحل هفت‌گانه)، ۲. الکمال (کمال)، ۳. ابن سینا وقصیدته (ابن سینا و قصیده او)، ۴. الغزالی، ۵. جرجی زیدان، ۶. مستقبل اللغة العربية (آینده زبان عربی)، ۷. ابن الفارض، ۸. العهد الجديد (عصر جدید)، ۹. لکم لبنانکم ولی لبنانی (لبنان شما برای شما و لبنان من برای من).

جبران خلیل جبران دیدگاهی انتقادی به مسائل پیرامون خود و جامعه دارد. بنابراین، به صورت رمزی و نمادین و با استفاده از اسلوب‌های ادبی به بیان موضوعات می‌پردازد. به همین دلیل باید در ترجمه آثار وی سبک گفتمان و ادبیات او به گونه‌ای منعکس شود که پیام‌ها و دیدگاه‌های انتقادی او به صورت ضمنی و با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی را بازتاب دهد. در واقع، «نکته قابل توجه در ترجمه متون ادبی آن است که به زبان ترجمه، استواری و انسجام لازم و سبک مناسب را بدهیم» (حدادی ۱۳۷۲: ۸۶). بنابراین، برای برقراری تعادل میان ترجمه این اثر جبران خلیل جبران و اصل آن در ابتدا باید از واژگان متن شروع کنیم و حداقل در سطح جملات کوتاه و بلند این تعادل را برقرار کرد. در مواردی مشاهده می‌شود که مترجم برای برقراری این تعادل به ترجمه لفظ به لفظ و وفادار به سیاق متن مبدأ اقدام می‌کند؛ صرف نظر از این که پای بندی زیاد به زبان مبدأ و ساختارهای دستوری آن موجب ناهم‌گونی‌ها و آشفتگی‌هایی در قواعد دستوری زبان مقصد می‌شود. ترجمه سیمین پناهی‌فرد نیز در مواردی چند از این قاعده مستثنا نیست.

هدف نگارندگان در این نوشتار بررسی و نقد ترجمه کتاب *البدائع والطرائف* با عنوان *اندیشه‌های نو و شگفت*، هم‌چنین بررسی نحوه عملکرد مترجم در انتقال سبک نویسنده و مضامین ادبی متن و سپس ارائه راه‌کارهایی برای برقراری تعادل میان جملات و واژگان متن اصلی و متن ترجمه است. هم‌چنین، در بررسی سطح واژگانی به مؤلفه‌هایی چون ترجمه لفظ به لفظ واژگان، انواع معادل‌های کاربردی، حذف یا افزوده‌های مترجم، و ترجمه اشتباه واژه پرداخته شده است. در بررسی ترجمه لفظ به لفظ جمله نیز جنبه‌هایی مانند ساختار دستوری جملات، ذکر معادل جمله در زبان مقصد، ترجمه لفظ به لفظ آن، بیان نامناسب، تغییر معنای جملات، سبک متن (عامیانه یا فصیح، صراحت‌گویی یا نمادین و رمزی)، و ترجمه اشتباه جمله مدنظر بوده است.

شایان ذکر است که این اثر می‌تواند به منظور نمونه‌ای متنی از متون ادبی معاصر در برنامه آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی برای واحدهای درسی مانند متون نظم و نثر عربی معاصر برای دانشجویان به کار رود تا ایشان ضمن آشنایی با ترجمه واژگان و جملات ساده و چگونگی بررسی و نقد متونی از این دست با شخصیت جبران خلیل جبران، در مقام ادیب، و سبک وی آشنا شوند.

۱,۱ پرسش‌های پژوهش

۱. چالش‌های پیش‌روی پناهی‌فرد در ترجمه کتاب *البدائع والطرائف* در جایگاه یک اثر ادبی کدام است؟
۲. در ترجمه متون ادبی کدام روش (لفظ‌گرایی و معنی‌گرایی) در برقراری تعادل بین متن مبدأ و مقصد کارآمدتر است؟

۲,۱ فرضیه‌های پژوهش

یکی از مسائل مهم ترجمه‌ای، که دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن مطرح است، مخاطب‌مداری است. مترجم باید محصول ترجمه خود را شایسته مخاطب زبان مقصد تنظیم کند. از مهم‌ترین لوازم تحقق این امر رعایت ساختار زبان مقصد در متن ترجمه است. بنابراین، از چالش‌های عمده مترجم در برگردان این اثر ادبی نیز می‌توان به مواردی از جمله رعایت نکات دستوری زبان فارسی در متن ترجمه، بیان نامناسب جملات و پیام مدنظر نویسنده اصلی، و انتخاب ترجمه لفظ‌به‌لفظ یا همان ترجمه لغوی (لغت‌به‌لغت) به‌منزله روش کار ترجمه در بسیاری از موارد اشاره کرد.

باتوجه به این‌که در متون ادبی مطالب به روش‌های خاص ادبی و همراه با صناعات ادبی و بلاغی بیان می‌شود و به‌دلیل این‌که مترجم در انتقال تمامی ابعاد متن مبدأ با محدودیت‌هایی مواجه است، گاهی عملکرد وی در ترجمه لفظ‌گرا نیز به‌گونه‌ای است که از فرط لفظ‌گرا بودن معنا از بین رفته است یا نامفهوم می‌شود. به‌عکس این گفته نیز صادق است، یعنی گاهی معنی‌گرا بودن وی نیز توجیهی ایجاد نمی‌کند برای این‌که الفاظ متن اصلی، نکات بلاغی، سبک جذاب، شیوا، و آهنگین آن نادیده گرفته شود.

۳,۱ پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌هایی که نگارندگان جستار حاضر داشته‌اند، مقاله‌ای درمورد نقد و ترجمه کتاب *البدائع والطرائف* نوشته نشده است، اما مقاله‌هایی با عناوین و موضوعات مرتبط با ترجمه سایر آثار این ادیب و نیز درباره ترجمه کتاب‌های ادبی سایر ادیبان، که نمونه‌هایی از متون ادبی به‌شمار می‌رود، نوشته شده است که در ذیل به دو مورد از این آثار اشاره می‌شود:

الف) مقاله‌ای با عنوان «نقد تقابلی ترجمه‌های فارسی الأجنحة المتكسرة جبران خلیل جبران» نوشته سیدان (۱۳۹۵)؛ رویکرد نویسنده در این مقاله مبتنی بر تقابل و مقایسه انواع ترجمه‌های کتاب الأجنحة المتكسرة است که نگارنده در آن به ابعاد مختلفی از ترجمه توجه داشته است؛ از جمله تأثیر ادبی، انسجام جملات، بافت متن، انسجام متنی، معنای کلام، و نیز انواع معادل‌یابی واژگانی؛

ب) مقاله دیگری نیز با عنوان «نقدی بر ترجمه العیرات منفلوطی بر مبنای تسلط بر زبان مبدأ و مقصد» نوشته گیتی و همکاران (۱۳۹۲) است. در این مقاله نیز به مؤلفه‌هایی مانند مهارت‌های لازم برای ترجمه، تسلط، و عدم تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، ساختار و اسلوب متن، ترجمه‌های نادرست، و جعل ترجمه اشاره شده است.

ارائه ترجمه‌ای دقیق و روان از متونی از این دست به استفاده از انواع روش‌های ترجمه، اعم از ترجمه آزاد، ترجمه ارتباطی، ترجمه تحت‌اللفظی، و تلفیقی از این روش‌ها بستگی دارد. مقدمه پای‌بندی به یک یا چند نوع از این روش‌ها، رویکرد لفظ‌گرایی، و معنی‌گرایی مترجم است. این موضوع که در دو مقاله مذکور به آن کم‌تر توجه شده، از اهمیت و ضرورت‌های پژوهش حاضر است که با بررسی سبک مترجم، اختیارات وی، نحوه به‌کارگیری، و میزان پای‌بندی و توجه به مؤلفه‌های نام‌برده این مهم تحقق می‌یابد.

۲. معرفی اثر و ترجمه آن

کتاب البدائع والطرائف نوشته جبران خلیل جبران است. حدود ۱۷۶ صفحه دارد و انتشارات المكتبة الثقافية در بیروت آن را چاپ کرده است و شامل چندین مقاله ادبی در موضوعات مختلف اجتماعی و شخصیت‌های بزرگ علمی و صاحب‌اندیشه است. نویسنده در این کتاب بیش‌تر با الهام از طبیعت موضوعات را با اسلوب جذاب خود به‌گونه‌ای کنایه‌آمیز ترسیم می‌کند. همین امر باعث می‌شود که مترجمان آثار وی در انتقال افکار او به زبان‌های دیگر گاهی دچار تناقض‌گویی شوند و ترجمه‌های متفاوت و نارسایی از آن ارائه کنند. مقاله‌های این کتاب عبارت است از «القشور واللباب، نفسی مثقلة بأثمارها، حفنة من رمال الشاطئ، سفينة في ضباب، المراحل السبع، وعظمتي نفسي، لكم لبنانكم ولي لبناني، الأرض، بالأمس واليوم وغدا، الكمال، الاستقلال والطمع، أيتها الأرض، البحر الأعظم، في سنة لم تكن قط في التاريخ، ابن سينا وقصيدته، الغزالي، جرجی زیدان، مستقبل اللغة العربية، ابن الفارض، العهد الجديد، الوحدة والانفراد، إرم ذات العماد، سكوتی إنشاد، یا من یعادینا، یانفس، البلاد

المحجوبة، حرقة الشيوخ، بالله يا قلبي، أغنية الليل، البحر، الشحرور، الجبار الرئبال، إذا غزئتم، الشهرة، بالأمس، ماذا تقول الساقية؛ مقاله‌هایی که در کتاب *اندیشه‌های نو و شگفت آمده* عبارت‌اند از «پوست‌ها و مغزها، روحم به من پند داد، مشت‌های من از شن‌های ساحل، ابن فارض، عصر جدید، یکتایی و تنهایی، کشتی در مه، مراحل هفت‌گانه، جانم با نتایجی سنگین شده است، لبنانی برای شما هست و لبنانی برای من، زمین، در دیروز و امروز و فردا، کمال، استقلال و کلاه‌های (طربوش)، زمین، اقیانوس، در سالی که هرگز در تاریخ نبود، ابن‌سینا و قصیده او، غزالی، جرجی زیدان، آینده زبان عربی، توطئه ای برای ارم دارای ستون، ارم دارای ستون».

کتاب *البدائع والطرائف* را سیمین پناهی فرد با عنوان *اندیشه‌های نو و شگفت به فارسی* ترجمه کرده است. از آن‌جاکه این کتاب را چندین ناشر و در نوبت‌های متعدد چاپ کرده‌اند، در مقاله حاضر به‌منظور بررسی و نقد در پژوهش ترجمه‌ای که انتشارات نیک‌فرجام در حدود ۱۵۰ صفحه و با نوبت چاپ سوم در سال ۱۳۸۵ چاپ کرده ماده پژوهش انتخاب شده است.

۳. نقد شکلی

یکی از اشکالات اساسی کتاب این است که مترجم حدود ۱۴ مقاله کتاب اصلی (عربی) را در ترجمه فارسی حذف کرده است. این امر باعث شده حجم درخور توجهی از کتاب کاسته شود. از آن‌جاکه «به موضوع رعایت امانت، حفظ سبک نیز می‌گویند» (حسینی ۱۳۷۵: ۱۲۲)، چه‌بسا بخشی از سبک بیانی نویسنده در قسمت‌هایی نمود پیدا کند که در متن ترجمه حذف شده است. بنابراین، باید تمامی موضوعات متن اصلی در ترجمه نیز حفظ شود. امانت‌داری یکی از مسائل مهم در فرایند ترجمه به‌شمار می‌رود، چراکه ممکن است حتی بخشی از افکار و ایدئولوژی اصلی نویسنده در آن بخش‌هایی ذکر شود که مترجم آن‌ها را حذف کرده است.

مقاله‌هایی که مترجم حذف کرده عبارت‌اند از «سکوتی إنشاد، یا من یعادینا، یا نفس، البلاد المحجوبة، حرقة الشيوخ، بالله يا قلبي، أغنية الليلة، البحر، الشحرور، الجبار الرئبال، إذا غزئتم، الشهرة، بالأمس، ماذا تقول الساقية».

یکی دیگر از ایرادات کتاب *اندیشه‌های نو و شگفت* نداشتن پیش‌گفتار یا مقدمه مترجم است. اختصاص دادن چند صفحه در آغاز هر کتاب ترجمه‌شده با عنوان مقدمه مترجم برای

بیان آرا، دیدگاه‌ها، و روش کار مترجم از جمله ضرورت‌های هر کتابی به‌شمار می‌رود. معمولاً مترجم باید در مقدمه درباره محتوای کتاب توضیحات و اطلاعات مفیدی را به خوانندگان ارائه دهد تا خوانندگان ترجمه با خواندن چنین مقدمه‌ای پیش‌زمینه و پیش‌تصویراتی را قبل از مطالعه این کتاب به‌دست آورند.

درباره اشکالات حروف‌نگاری این اثر نیز می‌توان به رعایت نشدن فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها اشاره کرد. مثلاً، در صفحه ۲۶ در جمله «تادر تو جستجو کنم» و در صفحه ۵۵ نیز در عبارت «خودرا از کثافت‌های دنیا» فاصله‌ها رعایت نشده است. در صفحه ۲۷ نیز در عبارت «ساده لوحی» به جای نیم‌فاصله فاصله گذاشته شده است.

درباره اشتباهات تایپی می‌توان در صفحه ۹۷ به ترکیب «به رقم» اشاره کرد که به جای حرف غین حرف قاف نوشته شده است. در صفحه ۱۰۱ کلمه «خوب» به اشتباه «خواب»؛ در صفحه ۳۰ کلمه «عصا» به اشتباه «اعصا»؛ و در صفحه ۱۰۹ «سرزمین‌های عربی» به اشتباه «سرزمین‌های غربی» نوشته شده است.

به‌علاوه، به علائم نگارشی نیز در مواردی چند کم‌توجهی شده است. مثلاً، در صفحه ۱۶ در جمله «منظورم از شاعر آن کشاورزی است» که باید بعد از کلمه «شاعر» از ویرگول استفاده شود؛ در صفحه ۳۲ باید در جمله «نه دود نور آنان را می‌پوشاند» بعد از کلمه «دود» ویرگول قید شود؛ در صفحه ۲۴ نیز باید بعد از جمله «تا ابد خیره به بزرگی زندگی و عظمت آن است»، که انتهای جمله است، از نقطه به‌جای ویرگول استفاده شود.

نکته درخور توجه دیگر این‌که نقطه شروع و پایان پاراگراف‌ها در برخی موارد مطابق با اصل کتاب نیست. از جمله، در صفحه ۱۰۷ که دو پاراگراف اول در کتاب اصلی فقط یک پاراگراف است، در حالی که در ترجمه ارتباط آن‌ها از هم گسسته و جداگانه نوشته شده است. در صفحه ۲۳ نیز پیوند دو پاراگراف اول به همین ترتیب از هم جدا شده است.

۴. نقد محتوایی

نقد ترجمه اصلی‌ترین حلقه اتصال میان نظریه ترجمه و عمل ترجمه است. چالش نقد ترجمه در آن است که باید از طرفی اصول خود را به‌صورت مقوله‌ای بیان کنیم و در عین حال باید اصول مترجمی و حتی اصولی را تصریح کنیم که ممکن است با آن مخالف باشیم (نیومارک ۱۳۸۶: ۲۴۰).

متون ادبی دو خصلت دارند: الف) زبان آن‌ها از احکام زیبایی‌شناختی پیروی می‌کند. یعنی فقط محتوا مطرح نیست، بلکه زبان نیز ارزش مستقل دارد؛ ب) متن ادبی می‌تواند یک‌جا و هم‌زمان به همه چیز پردازد [ابعاد مختلف معنایی] (حدادی ۱۳۷۲: ۸۵). معمولاً این ویژگی‌ها در متن ترجمه کم‌رنگ‌تر نمایان می‌شود؛ زیرا عملکرد مترجمان در سطوح مختلف یک‌سان نیست و اهتمام بیش‌ازحد به برخی و کم‌توجهی به برخی دیگر سبب می‌شود متن ترجمه با تغییراتی همراه شود. از جمله این سطوح می‌توان به سطح معادل‌یابی اصطلاحات و واژگان، انتخاب انواع روش‌های ترجمه، انسجام دستوری و ساختاری، و ترجمه نادرست عبارت‌ها و جمله‌ها اشاره کرد که در بسیاری از موارد ناشی از عدم تشخیص درست نحو جملات و واژگان است. در نتیجه، علاوه بر انحرافات که در ترجمه متن اصلی بروز پیدا می‌کند، این امور باعث می‌شود مخاطبان ترجمه با مشکل فهم ناقص مطلب مواجه شوند. در پژوهش حاضر، به بخشی از ابعاد مذکور و مرتبط با ترجمه‌ای امین و روان توجه شده است که در ادامه، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱,۴ معادل‌یابی

«به‌طور کلی در ترجمه متون، مترجم هر لحظه با انتخاب‌های متفاوت درگیر است؛ هم باید مفهوم را برساند، هم آهنگ واژه‌ها، استعاره‌ها، موسیقی جملات و پیوند و پیوستگی‌های آن‌ها را حفظ کند» (خاوری ۱۳۸۳: ۸۶). یکی از انتخاب‌های متفاوت گزینش الفاظ مناسب به‌عنوان معادل و جای‌گزین کردن آن به‌جای الفاظ متن اصلی است. می‌توان گفت در این مرحله است که ماهیت متن و ترجمه مشخص می‌شود. هدف، نحوه، و نوع ترجمه نیز با معادل‌یابی تحقق می‌یابد:

هدف ترجمه این است که بین زبان مبدأ و مقصد تعادل معنایی به‌وجود آید و همین معادل‌یابی است که ترجمه را از کارهای زبانی مثل اقتباس، خلاصه‌برداری، و چکیده‌نویسی متفاوت می‌کند. البته مشکلات زیادی در این جمله به‌ظاهر ساده نهفته است... معادل‌یابی دقیق البته غیرممکن است؛ هیچ مترجمی نمی‌تواند ترجمه‌ای ارائه بدهد که معادل متن اصلی باشد (شریعتی ۱۳۷۸: ۲۸).

با این توضیحات مشخص می‌شود که معادل‌یابی، علاوه‌براین‌که از ارکان اساسی در پویایی ترجمه به‌شمار می‌رود، باید به‌صورت سنجیده و با جزئی‌نگری انجام شود. در ترجمه سیمین پناهی فرد از کتاب *البدائع والظرائف* به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که به تصحیح نیاز دارد:

نقد ترجمه البدائع والطرائف با رویکردی بر شاخصه‌های تعادل ... ۱۰۳

* وَهُوَ إِنْ كَانَ دُونَ الْجَاهِلِيِّينَ عَزْمًا وَأَقْلَّ مِنَ الْمُؤَلِّدِينَ ظَرْفًا فَفِي شِعْرِهِ مَا لَمْ يَحْلُم بِهِ الْأَوْلُونَ وَلَمْ يَبْلُغُهُ الْمُتَأَخَّرُونَ (جبران بی تا: ۹۹).

ترجمه: و اگر اراده او کم‌تر از نادانان و زیرکی او پایین‌تر از مولدین بود، ولی در شعر او آنچه را که اولی‌ها آن را در رؤیا می‌بینند و تأخیرکنندگان به آن نرسیده‌اند، وجود دارد (جبران ۱۳۸۵: ۲۴).

در این ترجمه، اصطلاحات «الجاهلیین، المولّدین، الأؤلون، و المتأخرون» که به ترتیب به «مردم دوره جاهلیت، گروه شاعران و ادیبان که در دوره اسلامی متولد شده‌اند، پیشینیان یا قدما، و معاصران» اختصاص دارد، به شکل دیگر ترجمه شده است، درحالی‌که مترجم با عدم بیان این اصطلاحات معانی و پیام‌های مدنظر نویسنده را دقیق ارائه نکرده است.

برای جلوگیری از این تغییر معنایی و برای انتقال ظرافت‌های مدنظر نویسنده در لابه‌لای واژگان و اصطلاحات به متن مقصد باید از معادل‌های دقیقی استفاده شود. این امر در مثال‌های زیر نیز رعایت نشده است:

* وَكَانَ يَنْمُو وَيَتَمَدَّدُ أَيَّامَ الْمُخْضَرِّمِينَ (جبران بی تا: ۸۳).

ترجمه: روزگار مردم رشد می‌کرد (جبران ۱۳۸۵: ۱۰۶).

اصطلاح «المخضرمین» به شاعرانی اطلاق می‌شود که دو دوره جاهلی و صدر اسلام را درک کرده‌اند، درحالی‌که در این جا مردم ترجمه شده است که دقیق نیست.

* رُوحٌ نَقِيَّةٌ كَأَشِعَّةِ الشَّمْسِ وَقَلْبٌ مُتَّقِدٌ كَالنَّارِ وَفِكْرَةٌ صَافِيَةٌ كَبَحِيرَةٍ بَيْنَ الْجِبَالِ (جبران بی تا: ۹۹).

ترجمه: ابن‌فارض، روحی پاک هم‌چون أشعه خورشید، قلبی برافروخته هم‌چون آتش و فکری صاف هم‌چون رودی میان کوه‌ها بود (جبران ۱۳۸۵: ۲۴).

در این متن، واژه «بحیره» به معنای «دریاچه» است و نویسنده با این واژه به سکون و وقار شخصیت ابن‌فارض اشاره می‌کند، اما ترجمه آن به «رود» چه بسا همان مدلول را تداعی نکند.

* أَقُولُ فِي الشَّرْقِ مَوْكِبَانِ: مَوْكِبٌ مِنْ عَجَائِزِ مُحَدَوْدِي الظُّهُورِ بِسَيْرُونٍ مُتَوَكِّئِينَ عَلَى الْعَصَى الْعُجْجَاءِ (جبران بی تا: ۱۰۴).

ترجمه: می‌گویم در شرق دو کاروان هست: کاروانی از پیران کم‌پیدا و نادر که راه می‌روند متکی به عصای کج (جبران ۱۳۸۵: ۳۰).

عبارت «محدودی الظهور» مرکب از اسم مفعول «محدودب» از فعل «إحدودب» به معنای «گورپشت شدن و خمیده شدن» و نیز کلمه «ظهور» جمع واژه «ظهر» به معنای پشت و کمر است که مترجم به اشتباه واژه «ظهور» را واژه «ظهر» به معنای «آشکارشدن» تلقی کرده و در ترجمه دچار لغزش شده است.

این جاست که اهمیت آشنایی با نظریه‌های ترجمه برای هر مترجمی اهمیت و نمود بیش تری پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اگر مترجم از نظریه‌های ترجمه آگاهی داشته باشد، به چنین خطاهای ترجمه‌ای دچار نخواهد شد. یکی از این نظریه‌ها همایی واژگانی است. یعنی «یک واژه در هم‌نشینی با واژه‌هایی قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با آن‌ها به جهت یا جهاتی سنخیت داشته باشد» (پناهی ۱۳۸۱: ۲۰۰). در این متن، با کمی دقت به قبل و بعد ترکیب «محدودی الظهور» یعنی با توجه به واژه‌های «عجائز والعصى» به معنای «پیرمردها و عصا و چوب دستی» معنای ترکیب مذکور نیز کاملاً مشخص می‌شود.

* وَحَيَاةُ الْإِنْسَانِ مَوْكِبٌ هَائِلٌ يَسِيرٌ دَائِمًا إِلَى الْأَمَامِ (جبران بی تا: ۸۴).

ترجمه: زندگی انسان وسیله‌ای سه‌مگین است که دائماً رو به جلو حرکت می‌کند (جبران ۱۳۸۵: ۱۰۸).

مؤلف در این متن حیات آدمی را با تمام ابعاد، دوره‌های زمانی، و مشکلات آن به کاروانی بزرگ تشبیه کرده که پیوسته در حال حرکت و پیش‌روی است، اما در ترجمه از عبارت «وسیله‌ای سه‌مگین» استفاده شده است، این عبارت علاوه بر تغییر معنایی، معادل مناسبی برای عبارت «موکب هائل» نیست.

* إِنَّ الْخِرَافَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْنَعَ مِنَ الطِّينِ جِرَّةً لِلْخَمْرِ أَوْ لِلْخَلِّ (جبران بی تا: ۸۶).

ترجمه: صنعت‌گر می‌تواند از گِل، کوزه‌ای برای شراب یا سرکه بسازد (جبران ۱۳۸۵: ۱۱۰).

واژه «الخراف» که فقط به پیشه «کوزه‌گری» اختصاص دارد، به صورت کلی و دال بر همه حرفه‌های صنعتی ترجمه شده است، در حالی که ضرورتی نداشت.

* وَلَكِنْ لَا يَتِمُّ هَذَا حَتَّى يَصِيرَ بِإِمْكَانِنَا تَعْلِيمَ النَّاشِئَةِ عَلَى نَفَقَةِ الْأُمَّةِ (جبران بی تا: ۱۸۸).

ترجمه: ولی این امر محقق نمی‌گردد تا ما بتوانیم جوانان در حال رشد را با هزینه امت تعلیم دهیم (جبران ۱۳۸۵: ۱۱۲).

معادل دقیق واژه «الناشئة» در زبان فارسی «نوجوان» است که به صورت نامأنوس «جوانان در حال رشد» ترجمه شده است.

۲,۴ ترجمه لفظ به لفظ (لغوی) و عدم انسجام ساختار

تشخیص و متمایز کردن صورت از معنی، کنار نهادن صورت زبان مبدأ، و أخذ معنی و قالب‌ریزی آن در صورت زبان مقصد از جمله نکات مهم در ترجمه است (طهماسبی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۵۶). هم‌چنین، هنجارهای زبانی اقتضا می‌کند که «همیشه نباید در برابر یک واژه زبان مبدأ عنصر ساختاری همانند آن در زبان مقصد برگزیده شود. گاهی ناگزیر می‌شویم برخی از ساختارهای واژگانی و دستوری متن را تغییر دهیم تا در زبان مقصد فهمیدنی و آشنا باشد» (شمس آبادی و افضلی ۱۳۹۲: ۳۰). اما گاهی مترجم روش ترجمه لغوی را برمی‌گزیند. در این روش ممکن است ساخت‌های دستوری و معنایی زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل شود؛ چراکه توجه مترجم کاملاً به زبان نویسنده و بیان وی معطوف شده است. متنی که نتیجه ترجمه لفظ به لفظ (لغوی) است، ممکن است از نگاه مخاطب زبان مقصد متنی نازیبا و گنگ تلقی شود. شایان ذکر است که «براساس ماهیت متنی که باید ترجمه شود، ترجمه مبدأگرا یا مقصدگرا می‌شود» (اوستینوف ۱۳۹۴: ۵۳). در کتاب *اندیشه‌های نو و شگفت موارد زیادی دیده می‌شود که نشان می‌دهد مترجم بیش از حد پای‌بند ساختار زبان مبدأ بوده است:*

* وَلَكِنْ إِذَا وَضَعْنَا صِنَاعَةَ الْفَارِضِ جَانِبًا وَنَظَرْنَا إِلَىٰ فَنِّهِ الْمُجَرَّدِ وَمَا وَرَاءَ ذَلِكَ الْفَنِّ مِّنَ الْمَظَاهِرِ النَّفْسِيَّةِ وَجَدْنَاهُ كَاهِنًا فِي هَيْكَلِ الْفِكْرِ الْمُطْلَقِ (جبران بی تا: ۹۶).

ترجمه: ولی اگر ساخته فارض را کنار بگذاریم و به هنر عریان او و آنچه که پشت آن هنر از ظواهر نفسی است، نگاه کنیم، او را کاهنی در هیکل فکر مطلق می‌یابیم (جبران ۱۳۸۵: ۲۳).

در این ترجمه، مشارالیه به وسیله «من» بیانیه و واژه‌های بعد از آن شرح شده است و اگر مشارالیه به صورت شرح شده باشد، در ترجمه آن به عربی می‌توان از «ما» یا «من» موصولیه و «من» بیانیه استفاده کرد (بنگرید به زرکوب ۱۳۸۸: ۳۸). بنابراین، بلاغت و ساختار زبان فارسی اقتضا می‌کند در ترجمه نیز عوامل شرح‌کننده مشارالیه را با اسم‌های اشاره «آن و...» بیان کرد.

این امر در مثال‌های زیر نیز مطابقت دارد:

* *حَيْثُ أَلَقَتْ الْأَجْيَالُ مَا رَثَتْ مِنْ أَثْوَابِهَا وَرَمَتْ مَا لَمْ يُعَدَّ صَالِحًا لَهَا* (جبران بی‌تا: ۱۰۳).

ترجمه: آن‌جا که نسل‌ها آنچه را از لباس‌های آنان کهنه گشته و آنچه را که به مصالح آنها نبوده به‌دور انداخته‌اند (جبران ۱۳۸۵: ۲۹).

* *فِي هَذِهِ الْقَصِيدَةِ النَّبِيلَةِ قَدْ وَضَعَ الشَّيْخُ الرَّئِيسُ أَبْعَدَ مَا يُرَاوِدُ فِكْرَةَ الْإِنْسَانِ وَأَعَمَّقَ مَا يَلَازِمُ خِيَالَهُ مِنَ الْأَمَانِيِّ الَّتِي تُولِّدُهَا الْمَعْرِفَةُ* (جبران بی‌تا: ۶۸).

ترجمه: در این قصیده بارزش، شیخ‌الرئیس دورترین چیزی که به فکر انسان می‌رسد و عمیق‌ترین چیزی که خیال، او را از آرزوهایی که دانایی آن را متولد می‌کند، گذاشته است (جبران ۱۳۸۵: ۹۳).

بخش‌هایی از این متن، که تقریباً به‌صورت لغوی ترجمه شده، گنگ و نامفهوم است. مترجم در کنار تسلط بر زبان مبدأ، باتوجه‌به ناهم‌گونی قالب بندی، جوهره ساختار در زبان‌ها و باتوجه‌به این‌که ممکن است قالب‌های ساختاری به‌ظاهر هم‌گون در دو زبان مختلف دارای ارزش و نقش ارتباطی متفاوت باشد، نباید ساختارهای زبان مبدأ را با ساختارهای متناظرشان در زبان مقصد جای‌گزین کند، بدون این‌که ارزش و نقش ارتباطی آن‌ها را مدنظر قرار دهد، زیرا چنین کاری نه‌فقط باعث می‌شود متن ترجمه به اصطلاح «بوی زبان مبدأ» را داشته باشد و غیرطبیعی جلوه کند، بلکه در درازمدت رواج ناروای صورت‌ها و قالب‌های زبان مبدأ در زبان مقصد موجب اختلال در نظام آن زبان می‌شود (بنگرید به لطفی‌پور ساعدی ۱۳۸۱: ۷۷).

۳,۴ ترجمه نادرست

مترجم باید، ضمن توجه در ترجمه واژگان و جملات، پیام متن و منظور نویسنده را در قالب زبان مقصد درآورد و بیش از آن‌که به ظاهر متن وفادار باشد، به محتوا و پیام متن توجه کند (گیتی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۳۷). در صورتی‌که مترجم به ساختارها و به‌ویژه نحو دو زبان آشنا نباشد، هم در تشخیص نحو واژه‌های زبان مبدأ و هم در انتقال آن به زبان مقصد دچار مشکل خواهد شد، چراکه «سلامت نحو و نثر از نخستین بایستی‌های یک اثر است. گاه بیماری نحو و نثر بر محتوا نیز اثر می‌گذارد و محتوا را بیمارگونه و بی‌ربط می‌نمایاند» (حاجی‌زاده ۱۳۹۵: ۱۰۴). به‌طوری‌که کم‌توجهی به نحو زبان مبدأ یا تسلط‌نداشتن بر آن موجب می‌شود ترجمه بیش‌تر به‌صورت آزاد و ذوقی باشد و «مراد از آن ترجمه‌ای است

که معنی گراست و تأکید و توجه بیش از حد به حفظ یا حذف فلان واژه ندارد. شرط این است که ترجمه آزاد از هفت دولت آزاد نباشد» (خرمشاهی ۱۳۹۰: ۱۴۷).

در ترجمه کتاب البدائع والطرائف به مواردی برمی‌خوریم که ناشی از ضعف تشخیص نحوی و تسلط نداشتن بر زبان مبدأ بوده که به تغییر معنایی و ارائه ترجمه‌ای نادرست منجر شده است. در ادامه، به نمونه‌هایی از هریک اشاره می‌شود.

۱,۳,۴ نداشتن تسلط کافی بر زبان مبدأ

مترجم باید ادبیات نوشتاری و گفتاری زبان مبدأ را نیز بشناسد و بر ظرافت‌های زبانی و معانی آن تسلط یابد، چراکه به میزان ضعف در این موارد شاهد کاستی و ناتوانی در انتقال مفاهیم خواهیم بود (فقهی و سلمانی ۱۳۹۴: ۲۳۰).

این مؤلفه از مهم‌ترین لوازم ترجمه و جزو اصول اساسی ترجمه است و در صورتی که هر مترجمی به توانمندی‌های لازم در این حیطه مجهز نشود، ترجمه وی نیز خالی از اشکال نخواهد بود. مصداق نمونه‌هایی از این مؤلفه، که در ترجمه پناهی فرد چالش‌برانگیز بوده، ذکر می‌شود:

* لَمَّا تَجَلَّدْتُ عَنْ ضَعْفِ (جبران بی تا: ۳۳).

ترجمه: وقتی که از ضعف سست شده بودم (جبران ۱۳۸۵: ۵۵).

معنای جمله فوق به صبر بعد از ناتوانی اشاره می‌کند، اما ترجمه آن دچار تغییر معنایی شده است.

* لَكُمْ لِبْنَانِكُمْ وَلِي لِبْنَانِي (جبران بی تا: ۳۹).

ترجمه: لبنانی برای شما هست و لبنانی برای من (جبران ۱۳۸۵: ۵۸).

در این متن، دو ترکیب «لکم» و «لی» به ترتیب خبر مقدم برای «لبنانکم» و «لبنانی» است و مقدم شدن آن‌ها معنای تأکید را می‌رساند که باید در ترجمه نیز ملاحظه شود. همان‌گونه که مشابه این نوع در قرآن کریم آمده است:

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ (کافرون: ۶).

ترجمه: دین و آیین شما برای شما و دین و آیین من برای من.

در حالی که در ترجمه پناهی فرد علاوه بر این که تغییر معنایی صورت گرفته، از انتقال این تأکید نیز چشم‌پوشی شده است.

۲،۳،۴ ضعف تشخیص نحوی

مهم‌ترین و مشهورترین نوع ساختار ساختار نحوی است. منظور از ساختار نحوی ساختار عناصر دستوری زبان از دیدگاه نحو است که مجموعه این عناصر یک نظام زبانی شامل گروه، جمله‌واره، و جمله را ایجاد می‌کند. در ساختار نحوی، نقش‌ها و حالت‌های دستوری و نیز روابط میان آن نقش‌ها و حالات (عناصر نحوی) مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد. این نقش‌ها و حالات دستوری که گاه آن‌ها را عناصر نحوی می‌نامند، در زبان‌های مختلف به شکل‌های گوناگون دیده می‌شود (قلی‌زاده ۱۳۸۳: ۸۴).

گاهی مترجم در تشخیص این عناصر در زبان مبدأ دچار لغزش می‌شود. به همین دلیل، آشنایی با اصول و نشانه‌های نحو هر زبان نیز کمک شایانی به مترجم می‌کند و او را در امر ترجمه راه‌نمایی می‌کند. به گونه‌ای که نداشتن این ابزار یا مجهز نشدن به آن باعث کاستی‌هایی در ترجمه می‌شود. از جمله این نمونه است:

﴿ إِذَا شَاءَ بُلُوغَ مَحَجَّةِ الْكَمَالِ فَعَلَيْهِ إِنْ شَعَرَ بِكَيْانِهِ أَنْ يَشْعُرَ بِأَنَّهُ الطُّفْلُ الْمُتَّكِلُ عَلَى أُمِّهِ ﴾
(جبران بی‌تا: ۵۱).

ترجمه: اما اگر می‌خواهد به جاده کمال برسد، باید ذات خود را احساس کند. اگر احساس کند که کودکی تکیه داده به مادرش است.

در این متن، فعل «شاء» فعل شرط، جمله «إِنْ شَعَرَ بِكَيْانِهِ» جمله معترضه، و جمله «أَنْ يَشْعُرَ بِأَنَّهُ...» جواب شرط است. در حالی که در ترجمه جمله معترضه جواب شرط ترجمه شده است و جمله «أَنْ يَشْعُرَ بِأَنَّهُ...» نیز جمله‌ای مستقل ترجمه شده که در نتیجه ارتباط معنایی و انسجام آن از هم گسسته و به ناهم‌گونی منجر شده است.

﴿ إِذَا اسْتَطَاعَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَخْتَبِرَ وَيَعْلَمَ جَمِيعَ هَذِهِ الْأُمُورِ يَصِلُ إِلَى الْكَمَالِ وَيَصِيرُ ظُلْمًا مِنْ ظِلَالِ اللَّهِ ﴾ (جبران بی‌تا: ۵۲).

ترجمه: اگر انسان می‌توانست آزمایش کند و بداند که با تمام این کارها به کمال می‌رسد، سایه‌ای از سایه‌های خدا می‌شد (جبران ۱۳۸۵: ۷۶).

در این متن نیز جواب شرط فعل «یصل» است، در حالی که به صورت عطف به فعل‌های قبلی ترجمه شده است.

﴿ فَجَاءَتْ قَصِيدَتُهُ هَذِهِ بُرْهَانًا نَبْرًا عَلَى أَنْ الْعِلْمَ هُوَ حَيَاةُ الْعَقْلِ يَتَدَرَّجُ بِصَاحِبِهِ مِنَ الْاِخْتِبَارَاتِ الْعَمَلِيَّةِ إِلَى النَّظَرِيَّاتِ الْعَقْلِيَّةِ ﴾ (جبران بی‌تا: ۶۸).

نقد ترجمه البدائع والطرائف با رویکردی بر شاخصه‌های تعادل ... ۱۰۹

ترجمه: پس این قصیده او دلیلی روشن است بر این که دانش عقلی، صاحب آن را پله پله از آزمایش‌های عملی به نظریه‌های عقلی بالا برد (جبران ۱۳۸۵: ۹۵).

در این متن واژه «حیاء» خبر برای «أن» است که باید به صورت خبر ترجمه شود، در حالی که ترجمه‌ای ناهم‌گون، که ناشی از ضعف تشخیص نحوی است، برای این متن ارائه شده است.

﴿ قَدْ أَجْمَعَ الْكُتَّابُ وَالْمُفَكِّرُونَ فِي الْغَرْبِ وَالشَّرْقِ عَلَى أَنَّ الْأَقْطَارَ الْغَرِيبَةَ فِي حَالَةِ التَّشْوِيشِ السِّيَاسِيِّ وَالْإِدَارِيِّ وَالنَّفْسِيِّ ﴾ (جبران بی تا: ۸۵).

ترجمه: شاید نویسنده‌ها و اندیشمندان در غرب و شرق را یکی کنم در این که سرزمین‌های عربی در حالت تشویش سیاسی، اداری، و روحی هستند (جبران ۱۳۸۵: ۱۰۹).

فعل «أَجْمَعَ» در این جمله فعلی مفرد از باب افعال است که فاعل آن «الکُتَّابُ» است. مترجم فعل مذکور را فعلی از صیغه متکلم وحده تصور کرده و به دنبال آن واژه «الکُتَّابُ» را مفعول به در نظر گرفته است که باعث شده معنای اشتباه به زبان مقصد منتقل شود.

در حالت کلی، در ارائه ترجمه‌ای ارزنده از یک متن ادبی باید تمام جوانب زبانی درون‌متنی و برون‌متنی دو زبان مبدأ و مقصد سنجیده شود تا ترجمه ارائه‌شده از آن اثر امین و وفادار و نیز گویا و روان باشد.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل شکلی و محتوایی کتاب اندیشه‌های نو و شگفت، ترجمه سیمین پناهی فرد، از کتاب البدائع والطرائف اثر جبران خلیل جبران مشخص شد:

این کتاب از لحاظ شکلی و ظاهری در سه زمینه اشکالاتی دارد؛ از جمله: الف) علائم نگارشی، مانند: ویرگول و نقطه؛ ب) حروف‌نگاری، مانند: اشتباهات تایپی؛ ج) از هم‌گسستگی ارتباط جمله‌های یک پاراگراف در ترجمه.

هم‌چنین مقدمه مترجم، پیش‌گفتار، یا متنی به منظور مطلب آغازین که درباره موضوع و محتوای کتاب توضیحاتی را به خواننده ارائه دهد، نیامده است. از تعداد بخش‌های آن نیز، که در کتاب اصلی حدود ۳۶ بخش بوده، ۱۴ بخش در ترجمه حذف شده است.

از آن‌جاکه در ترجمه متون ادبی باید به اقتضای جوانب بلاغی و ادبی متن مبدأ عمل کرد. بنابراین، ترجمه این نوع متون باید به صورت تلفیقی از انواع روش‌های لفظ‌گرایی و معنی‌گرایی باشد تا در موارد مختلفی، که روش خاصی رساننده پیام و زیبایی‌های متن نباشد، بتوان از سایر روش‌ها در تحقق این امر مدد جست.

ترجمه مذکور از سه جنبه نیز ایرادات اساسی دارد که به تصحیح مجدد نیاز دارد. به عبارت دیگر، چالش‌های عمده مترجم در سه مورد نمود بیش‌تری داشته است:

سطح معادل‌یابی: با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد اصطلاحاتی در متن آمده است که مرتبط با تاریخ و فرهنگ زبان عربی است و مترجم در انتقال آن به زبان مقصد ناموفق بوده است. در این باره، پیش‌نهاد می‌شود که یک کارشناس زبان و ادبیات عربی متن ترجمه را بازخوانی کند، چراکه بدون نظارت کارشناسان برطرف کردن این مشکل کامل انجام نمی‌شود؛

سطح معنایی و ساختاری: مترجم در ترجمه این کتاب روش لفظ‌به‌لفظ (لغوی) را برای ترجمه انتخاب کرده است و این مسئله موجب شده که ساختارهای دستوری زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل شود و به ناهنجاری و ناهم‌گونی متن و سپس به عدم درک صحیح و سریع از آن بینجامد. بنابراین، لازم است متن ترجمه حتماً ویرایش ادبی شود؛ ترجمه نادرست: بخشی از جملات نادرست و با کمی تغییر معنایی ترجمه شده است؛ ممکن است این امر موجب تحریف منظور، پیام‌ها، و ایده‌های نویسنده اصلی شود. این مبحث بیش‌تر به دو دلیل عمده یعنی نداشتن تسلط کافی به زبان مبدأ و ضعف در تشخیص نحو آن بوده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- اوستینوف، میشل (۱۳۹۴)، ترجمه، ترجمه فاطمه میرزاابراهیم تهرانی، تهران: قطره.
- پناهی، ثریا (۱۳۸۱)، «فرایند باهم‌آیی و ترکیبات باهم‌آیند در زبان فارسی»، *نامه فرهنگستان*، س ۵، ش ۳.
- جبران، خلیل جبران (۱۳۸۵)، *اندیشه‌های نو و شگفت*، ترجمه سیمین پناهی فرد، تهران: نیک‌فرجام.
- جبران، خلیل جبران (بی‌تا)، *البدائع والطرائف*، بیروت: المكتبة الثقافية.
- حاجی‌زاده، مهین (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد ترجمه کتاب معنی‌شناسی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۶، ش ۶.

- حدادی، محمود (۱۳۷۲)، *مبانی ترجمه*، تهران: جمال الحق.
- حسینی، صالح (۱۳۷۵)، *نظری به ترجمه*، تهران: نیلوفر.
- حقانی، نادر (۱۳۸۶)، *نظرها و نظریه‌های ترجمه*، تهران: امیرکبیر.
- خاوری، سیدخسرو (۱۳۸۳)، «از واژه به مفهوم: اقتباس یا ترجمه ادبی»، *پژوهش زبان‌های خارجی*، ش ۱۸.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۹۰)، *ترجمه کاوی*، تهران: ناهید.
- خزاعی فرید، علی (۱۳۹۴)، «تعادل زیبایی‌شناختی در ترجمه متون ادبی»، *فصل‌نامه مترجم*، س ۲۴، ش ۵۷.
- زرکوب، منصوره و عاطفه صدیقی (۱۳۹۲)، «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راه‌کارها با تکیه بر ترجمه کتاب *الترجمة و أدواتها*»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۳، ش ۸.
- شریعتی، محمد (۱۳۷۸)، «نکته‌ای در مورد ترجمه متون ادبی»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان*، دوره جدید، ش ۶ و ۷.
- شمس‌آبادی حسین و فرشته افضلی (۱۳۹۲)، «شیوه‌های برابریابی واژگانی، ساختاری و بافتاری در ترجمه داستان از عربی به فارسی (بر پایه نمونه‌هایی از داستان‌های نجیب محفوظ)»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۳، ش ۶.
- طهماسبی، عدنان، سعدالله همایونی، و شیما صابری (۱۳۹۲)، «لایه‌های زبانی و بافت بیرونی در تعادل ترجمه‌ای»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۳، ش ۷.
- فقهی، عبدالحسین و حسن سلیمانی (۱۳۹۴)، «نگاهی به چالش‌های هم‌زمان فارسی - عربی و برعکس»، *ادب عربی*، س ۷، ش ۲۰.
- قلی‌زاده، حیدر (۱۳۸۳)، «نقش ساختار دستوری در ترجمه قرآن کریم»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی*، ش ۳.
- گیتی، شهریار، حسن نریمانی، و حسین محسنی (۱۳۹۲)، «نقدی بر ترجمه *العبرات* منفلوطی برمبنای ضرورت تسلط بر زبان مبدأ و مقصد»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۳، ش ۷.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۵)، *اصول و روش ترجمه*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- نیومارک، پیتر (۱۳۸۶)، *دوره آموزش فنون ترجمه*، ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما.

